

خواقین خلف زینت و شرف برافزود». و با یک بیت شعر سفرنامه را به پایان رساند: غرض نقشی است کز ما بازماند که هستی را نمی‌بینم بقائی
 الهم اجعل خاتمه امورنا خیرا
 در سته هزار و سیصد و دو هجری از تسوید این سفرنامه ثانیه خود فراغت حاصل شد

صهر غلامحسین
 درباره کاتب به غیر از آنچه خود در گزارش این سفرنامه آورده مطالبی دیگر نمی‌دانیم ولی به طوری که از شیوه نگارش و توانمندی وی در ثبت وقایع با استفاد از علوم دینی، قرآنی و داستان‌ها و آوردن حکایات عبرتی‌آمیز نامبرده از علوم متداول زمان خود بهره کافی داشته است. او در مقدمه سفرنامه (ص ۱) خود را چنین معرفی می‌کند:

«کبیب بنده چاکر این دولت و مهین ستاینده و شاکر این مملکت [المخلص به المعنی و المعروف به ادیب] غلامحسین بن مهدی خان ابن علیخان زندی شیرازی» همچنین در باب نسبت خود در صفحه ۲۶ آورده است:
 «نام اگر خواهیم غلامحسین

که به دوران ادیب دورانم
 پارس گوی فارس اقلیم
 مسقط الراس گشته تهرانم
 هم نسب با کریمخان وکیل
 که منش یادگار دورانم
 مادر من ز خاندان رسول
 که از او بود شیر پستانم».

نیز در باب علم و دانش خود در ص ۲۵ آورده است:
 در حساب و کتابت و انشاء
 در نجوم و سیاق بنیانم
 علم رمل و قیافه و تعبیر
 هست بنهفته اندر انیانم
 فقه و تفسیر و صرف و منطق و نحو
 همچو جان در رگ است شریانم
 در معانی بیان و علم بدیع

در اصول و عروض میزانم»
 و در صفحه ۱۱۶ آورده است که وقتی صنیع الدوله معرفتی به معرفی بنده پیدا کرد گفت شخصی با این هوش و ذکاوت خوب است یک چندی در فرنگستان جهت تحصیل علوم خارجه نماید. این زمان که سفرنامه را می‌نوشت باید اوان جوانی عمر وی باشد ولی با این وجود در نویسندگی یدی طولانی داشت و سفرنامه‌های دیگری را نیز نوشته از جمله عراض المسافر که احتمالا سفرنامه عتبات عالیات باشد.

انتظار که از مطالب سفرنامه بر می‌آید کاتب گرایش به حقیقت‌نویسی داشته و در مورد بعضی مطالبی نویسد «صحت و سقم این قضیه به عهده بنده نیست» و حتی بدلیل حقیقت‌گویی و صراحت بیان بغوی تذکر داده شد تا مطالب را بی‌پرده ننکارد و سخن‌نگوید چنانکه در صفحه ۱۲۸ آورده است:

«به خدمت جناب مستطاب اجل... آقای امین‌السلطان مدظله‌العالی مشرف شدم در باب تحقیقی که بنده در اشعار بعضی از اکابر در ذیل حالات سه‌شنبه بیستم شهر شوال کرده بودم نصیحتم فرمودند که بعضی مطالب را بی‌پرده ننکارم و... انشاء... برخلاف زمان ماضی حرکت خواهد شد».

معرفی نسخه خطی

سحر سامری و سفر ناصری

یادداشت‌های روزانه از سفر ناصرالدین شاه قاجار به دیار کلاردشت و طالقان در سنه ۱۳۰۱ هجری قمری

● سیدغنی افتخاری
 دانشجوی دکتری تاریخ

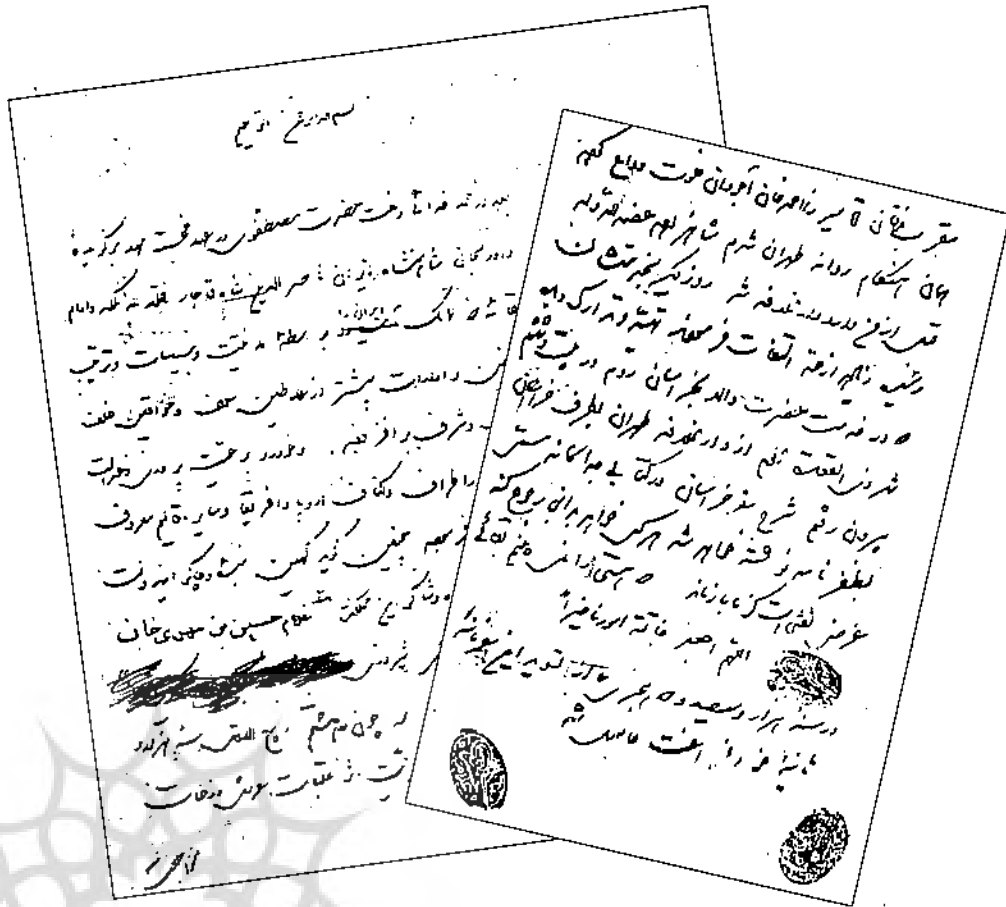
این سفرنامه به صورت ثبت روزانه و تاریخ کتابت همراه با حاشیه‌نویسی است و کاتب نظر خود را در باب اصطلاحات، واژه‌ها، لغات و اسامی آبادی‌ها در حواشی ذکر می‌کند

از جهتی ما با چگونگی آهنگ سفر، هدف، چگونگی آمادگی و یا هزینه سفر همچنین از زندگی عادی و روزانه و علائق و سلیقه و نگرش‌های ناصرالدین شاه اطلاعات ذیقیمی بدست می‌آوریم

این نسخه در کتابخانه ملک وابسته به کتابخانه‌آستان قدس رضوی به شماره ثبتی ۶۲۱/۲ نگهداری می‌شود. نویسنده غلامحسین ابن [مهدی خان] افضل‌الملک زندی شیرازی می‌باشد که آن را در سال ۱۳۰۱ نگارش نموده اما تا سال ۱۳۰۷ در اختیار کاتب بوده و طی این مدت مطالبی به آن اضافه و تاریخ ثبت آن را قید کرده است.

این نسخه به خط نستعلیق شکسته در ۲۱۳ صفحه و بطور متوسط در هر صفحه ۱۶ سطر نوشته و با آسترچرم قهوه‌ای رنگ مجلد شده و با مرکب مشکی نوشته شده است. مدت سفر به استناد مطالب سفرنامه ۴۲ روز از پنج شوال الی شانزدهم ذی‌القعدة الحرام سال ۱۳۰۱ بوده که از مسیر تهران به شهرستانک - جاده چالوس - هزارچم سیامیش به سوی مرزن‌آباد - کلاردشت - هزارچم طالقان - روستای پراچان طالقان - جویستان - از مسیر راه مالرو گتعه به شهرستانک و سپس به تهران. سفرنامه چنین آغاز می‌شود:

«بعد از حمد خدائی و نعت حضرت مصطفوی در عهد خجسته عهد برگزیده داور سبحان شاهنشاه ایران ناصرالدینشاه قاجار خلداله ملله و ادام بقائه که ممالک ایران را به واسطه مدنیت و سیاسات و ترتیب قوانین و ادارات بیشتر از سلاطین سلف و



این راه هم به هزار چم معروف است ولی آن هزار چم قبلی [منظور هزار چم جاده چالوس است] که گذشتیم یکی از چم و خم‌های این راه است. سیحان... هیچ دیدهای ندیده و هیچ گوشی نشنیده تن در تاب و تب آید و جان به لب، برهان پل صراط و... جوانان و رجال تسخیر و پیران فرسان متفکر و آدمیان تن به‌مرگ داده و حیوانات از برای لفزیدن آماده و جهانگردهای این زمان و سیحان گفتند که در هیچ‌سرزیمینی بدین سختی راه ندیده‌ایم.

تن شده اندر هزار چم به تعب در جان شده از کالبد به راه پراچان گاه به قعر زمین شدیم چو ماهی گاه به هفتم هما شدیم چون کیوان تنگتر از گور و گور از او به

سختتر از هفت خوان رستم دستان». در صفحه ۱۵۷ درباره جویستان طالقان آورده است: «در کنار رودخانه (شاهرود) این ده (جویستان) باغی است که باغ شاه معروف است. آن باغ از باغهای شاهعباس است که در آنجا جلوس داشته بنده آن باغ را دیدم». در صفحه ۲۹ در معرفی شخصیت سرکارفتح... خان که همراه اردوی همایونی است آورده است:

«سرکار فتح... خان شیانی اصلش از کاشان و نسبش به قبیله جلیله بنی شیبان و از سلاله ابوتر غفاری است... در این سفر کتابی به نام زبده‌الانوار در آثار شاه‌کامکار به نظم و نثر می‌نویسد».

در صفحه ۱۱۵ درباره شخصیت سیدجمال‌الدین اسدآبادی آورده است:

«در پلتیک و تدبیر و هوشیاری و صنعت و افکارمختلف اجوبیت حاضره بر تمام اهالی ربع مسکون برتری دارد. دولت انگلیس از ایران خواهش کرد که او را از ایران بیرون کنند. او را از تهران بیرون کردند حال کار معلوم نیست که چه خواهد شد شرح حال او نیاز به کتابی دیگر است».

در صفحه ۱۲۶ خطابت لایحه افتتاح راه قم - تهران آمده است:

«هر آحاد و افراد اهالی دارالتخلافه تهران صنیع‌الله‌عن‌الحنان معلوم و آشکار است که چون مبنای این دولت قوی شوکت بر آسایش عامه رعایا و کافه‌دعاگویان و آرایش و آبادی راهها و امکانه ممالک محروسه ایران است بنا علیهذا بر حسب امر قدر قدر علیحضرت قضا مهابت اقدس شهریاری روحنا فدااینداله دولته و ادام شوکت در این زمان خجسته‌توان به‌جهت ازدیاد راحت مسافرن و کثرت آسودگی عابدين و زائرین حضرت معصومه قم سلام... علیها راهی ساختهو طریق در کمال و نظم و امن با بودن مهمانخانه‌های متعدد از قرار تفصیل ذیل پرناخته شد که سائرین و مارین به دعاگویی نوام دولت بهر التیام پردازند و خود را از محنت و زحمت وضع مسافرت سابق فارغ سازند. لهنذا این لایحه و اعلان در کیفیات و تکلیفات اشخاص مسافر با شرح اوضاع حرکت و مهمانخانه‌ها به طریق دستورالعمل به حلیه طبع رسید».

این سفرنامه را با راهنمایی استاد فرزانه مرحوم دکتر رضوانی تصحیح نمودم و در حال تمهینات چاپ آن هستم امیدوارم به زودی با چاپ آن گامی هرچند کوچک در راه اعتلای فرهنگ این مرزوبوم برداشته‌باشم.

در این سفرنامه ما مطالبی همچون اوضاع جغرافیایی و آبادی‌های مسیرسفر و معرفی روستاها با تکیه بر مسائل اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی، معرفی شخصیت‌ها و رجالی که پادشاه را در سفر همراهی می‌کردند، همچنین اطلاعات ارزشمندی درباره اقدامات و فرمان‌های شاه در امور مملکتی منجمله فرمان افتتاحیه راه قم به تهران جهت رفاه‌زوار حرم حضرت معصومه (س) و یا جواب نامه مانگچی، رئیس زرتشتیان هند در این سفرنامه فراچنگ می‌آوریم

از جهتی ما با چگونگی آهنگ سفر، هدف، چگونگی آمادگی و یا هزینه سفر همچنین از زندگی عادی و روزانه و علائق و سلیقه و نگرش‌های ناصرالدین شاه اطلاعات ذیقیمتی بدست می‌آوریم

ارزشمندی درباره اقدامات و فرمانهای شاه در امور مملکتی منجمله فرمان افتتاحیه راه قم به تهران جهت رفاه زوار حرم حضرت معصومه (س)، و یا جواب‌نامه مانگچی رئیس زرتشتیان هند را در این سفرنامه فراچنگ می‌آوریم.

از جهتی ما با چگونگی آهنگ سفر، هدف، چگونگی آمادگی و یا هزینه سفر همچنین از زندگی عادی و روزانه و علائق و سلیقه و نگرش‌های ناصرالدین شاه اطلاعات ذیقیمتی به دست می‌آوریم کمنونه‌هایی را جهت اطلاع بیان می‌دارم. در صفحه ۱۲۸ درباره ایل خواجیوند کلاردشت آورده است:

«ایل خواجیوند را که شاه شهید آقامحمدخان قاجار از کردستان و گروس آورده در کلاردشت واقع شده اکنون سه هزار خانوار و پانصد سوار به دولت دهند. در روز ورود به کلاردشت تمام آن سوارها در کمال نظم و آراستگی باسبهای رشید و نجیب با یراقهای خوب از سان حضورهمایونی گذشتند تمام آنها در بین راه صف کشیده بودند سرتیب آنها علی‌اکبر خان است».

درباره سختی راه هزار چم طالقان در صفحه ۱۴۲ آورده است:

این سفرنامه به صورت ثبت روزانه و تاریخ کتابت همراه با حاشیه نویسی است و کاتب نظر خود را در باب اصطلاحات، واژه‌ها، لغات و اسامی آبادی‌ها در حواشی ذکر می‌کند.

در بعضی از صفحات کاتب مقدمه‌ای نوشته و قول داده در فرصت مناسب آن را تکمیل نماید ولی به این کار موفق نشده و صفحات همچنان سفید و صورت‌عملی نگرفته است. مثلا در صفحه ۱۷۰ قرار بود نامی که شاه از شهرستانک به تهران ارسال نموده متن آن را بیاورد و یا در صفحه ۱۰۸ در باب قصیدای عربیه در میلاد حضرت فاطمه زهرا سلام... فقط چهار بیت آن را ثبت و مابقی را ننوشته است.

این سفرنامه به شیوه نظم و نثر نوشته شد و کاتب وقایع روزانه هیئت همراه شاه را همراه با حکایت‌ها، پندهای اخلاقی، داستان‌های تاریخی و مباحثات روزانه ثبت نموده است. همچنین در این سفرنامه ما مطالبی همچون اوضاع جغرافیایی و آبادی‌های مسیرسفر و معرفی روستاها با تکیه بر مسائل اقتصادی اجتماعی، مذهبی و فرهنگی، معرفی شخصیتها و رجالی که پادشاه را در سفر همراهی می‌کردند، همچنین اطلاعات